



مبانی و مصادیق مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در حقوق ایران و آمریکا

فائزه السادات سعادت‌مندی^۱، حسن بادینی^{۲*}، عباس کریمی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

مرکزی، تهران، ایران

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر با کاربرست شیوه کیفی و روش تحلیلی - توصیفی، درصدد انجام مطالعه‌ای تطبیقی و تبیین مبانی و مصادیق مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق می‌باشد. یافته‌های این پژوهش مبین آن است که مسئولیت مدنی نهادهای مذکور در ایران و آمریکا در مراحل تولید و انتقال در زمره «اعمال حاکمیتی» و در مرحله توزیع میان مشترکان و مصرف‌کنندگان در زمره «اعمال تصدی‌گری» قلمداد می‌گردد؛ مضافاً اینکه مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق، ماهیت «قراردادی و خارج از قرارداد» داشته و هر دو نظام حقوق ایران و آمریکا قائل بر مسئولیت مدنی نهاد تأمین‌کننده برق در مرحله تولید که مسئولیتی مبتنی بر قرارداد است، می‌باشند؛ با این تفاوت

E-mail: hbadini@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms



که مبنای مسئولیت در این دو نظام حقوقی متفاوت است؛ به طوری که در حقوق ایران این مسئولیت، مبتنی بر «تقصیر» است و خسارات قابل مطالبه ناشی از نقض تعهدات قراردادی، منوط به تصریح طرفین، عرف یا قانون گردیده؛ اما در حقوق آمریکا، مبنای ایجاد مسئولیت قراردادی نهادهای مذکور، «مسئولیت محض» یا مسئولیت بدون تقصیر است و مسئولیت این نهادها صرفاً بر اساس نقض وظیفه تعهد ایجاد می‌شود؛ لذا در این نظام حقوقی به محض احراز تخلف از انجام تعهدات قراردادی، بدون توجه به دلیل نقض یا ارتکاب تقصیر، متعهد مسئول جبران خسارت قرار می‌گیرد. در مرحله توزیع برق نیز، در نظام حقوقی ایران، می‌توان به مسئولیت ناشی از عدم مراقبت و نگهداری از تأسیسات و تجهیزات انتقال و توزیع برق به مشترکان و نیز مسئولیت ناشی از اهمال و کوتاهی در تدابیر پیشگیرانه اشاره نمود که عامل «تقصیر» بر احراز مسئولیت مدنی برای نهادهای تأمین‌کننده مذکور نقش اساسی و کلیدی دارد؛ اما در نظام حقوقی آمریکا، موارد بسیار محدودی را می‌توان یافت که در این مرحله، مسئولیت مدنی برای نهادهای مذکور قابل طرح باشد و اساساً احراز مسئولیت مدنی در این مرحله بسیار دشوار است و این امر به واسطه سازکارهایی می‌باشد که در این کشور در راستای رعایت استانداردهای انتقال و توزیع برق، تقسیم مسئولیت و دخیل دانستن مصرف‌کنندگان و مشترکان در خسارات احتمالی اعمال می‌گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، برق، نهادهای تأمین‌کننده برق، حقوق ایران، حقوق آمریکا

۱- مقدمه

برق یکی از اکتشافاتی است که زندگی روزمره همه افراد در کره زمین را تغییر داده است و جزء اصلی فن‌آوری مدرن محسوب می‌گردد که بدون آن، بخش عمده‌ای از امور روزمره بشری دچار اختلال و انفعال می‌گردد و نمی‌توان به دنیایی بدون برق فکر کرد. ضرورت این انرژی به اندازه‌ای است که همواره تلاش‌های بسیاری معطوف عدم قطع آن و عدم بروز خاموشی می‌گردد.

در اکثر کشورها، عموماً خاموشی برق را در ۲۴ ساعت اول، به عنوان یک خطر جدی در نظر نمی‌گیرند، اما واقعیت این است که چنین رویدادی می‌تواند به وضعیتی مانند



فاجعه تبدیل شود (استتسکمپ و وجک، ۱۹۹۴: ۲۲)؛ چرا که گاه به واسطه نوسان و به تبع آن قطع برق، خصوصاً اگر به صورت طولانی مدت باشد، در کنار خسارات مالی یا جانی که احتمال بروز آن برای مشترکان و شهروندان وجود دارد، اقتصاد را ضعیف و سلامت عمومی را تهدید می‌کند (انکیت و همکاران، ۲۰۲۲). قطع برق و بروز خاموشی به هر دلیلی که باشد (پیش‌بینی‌شده یا غیرقابل پیش‌بینی) صدمات جبران‌ناپذیری هم به اقتصاد جوامع و هم به زندگی روزمره مردم وارد می‌کند. بر این مبنا، خسارات جانی و مالی‌ای که به شهروندان و مشترکان وارد می‌گردد زمینه‌ساز طرح «مسئولیت مدنی» خواهد شد.

با توجه به اینکه هدف اصلی قواعد مسئولیت مدنی جبران خسارت‌های مادی و معنوی زیان‌دیده و ترمیم زیان وارده می‌باشد، لذا از نظر حقوقی، نه تنها اشخاص حقیقی بلکه اشخاص حقوقی نیز در قبال اعمال خود مسئول و ملزم به جبران می‌باشند؛ چرا که اصول حقوقی و عدالت اقتضاء می‌کند همان‌گونه که اشخاص حقیقی اگر خسارت و زیانی وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت می‌شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی نیز همین‌گونه عمل شود و برای احراز مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی نیز باید شرایط تحقق مسئولیت مدنی یعنی ارتکاب فعل زیان‌بار، ورود ضرر و رابطه سببیت بین آن دو وجود داشته باشد و در این میان، وجود ضرر (خسارت) از ضرورت‌های قطعی به شمار می‌رود. هرگونه تجاوز عمدی خطاکارانه در اموال و منفعت مالی که از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه وارد آید، عنصر ضرر که از ارکان مسئولیت مدنی می‌باشد تحقق یافته است و اصولاً تا زمانی که شخصی با ارتکاب عملی موجب ورود زیان به دیگری نشود، نمی‌توان او را مسئول دانست و ملزم به جبران خسارت کرد (میرزایی، ۱۴۰۱: ۷۳). در خصوص برق نیز روال به همین ترتیب است، بدین معنا که مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق مطرح می‌باشد.

به‌طورکلی، ساختار صنعت برق را می‌توان متشکل از سه حوزه اصلی، تولید، انتقال و توزیع نیروی برق دانست و مجموعه فعالیت‌های این صنعت را در این سه بخش



دسته‌بندی نمود (نظری منتظر و سیمایی صراف، ۱۳۹۸: ۸) و به تبع آن، به نهادهایی (دولتی و خصوصی) که متولی ارائه خدمات در بخش‌های مذکور می‌باشند، «نهادهای تأمین‌کننده برق» گویند.

تقریباً در سراسر قرن بیستم، صنعت برق در انحصار شرکت‌های یکپارچه عمودی و به طور معمول دولتی بود. در این شکل سنتی، این بنگاه تنها ارائه‌دهنده خدمات در محدوده ارائه خود که شامل تولید، انتقال، توزیع و خرده‌فروشی برق بود، محسوب می‌شد. همگام با گرایش جهانی به سوی تجدید ساختار و نیز جوابگو نبودن سیستم انحصاری سنتی برای تأمین تقاضای برق بازار برق با هدف شفافیت هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری اقتصادی راه‌اندازی شد؛ اما در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، اصلاحات جهانی در صنعت برق، همانند سایر صنایع زیرساختی، با هدف افزایش کارایی آغاز گردید. در راستای این اصلاحات، صنعت مزبور مورد اقدامات قابل ملاحظه‌ای قرار گرفت که انگاره‌های اصلی آن، تجدید ساختار، خصوصی‌سازی و مقررات‌گذاری بودند (پور عبادالهان کویچ و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۳). پیاده‌سازی این مدل‌های نوین، با تجدید ساختار صنعت برق به صورت جداسازی قسمت بالقوه رقابت‌پذیر (تولید و خرده‌فروشی) از بخش‌های انحصار طبیعی (انتقال و توزیع) شروع شد. هدف اصلی تجدید ساختار مزبور، افزایش رقابت در صنعت و اطمینان از آن بود که اپراتورهای سیستم توزیع برق صرفاً بر عملیات توزیع تمرکز نمایند (میدلند و همکاران، ۲۰۲۰).

در ایالات متحده آمریکا، از ابتدا، ساختار نهادهای تأمین‌کننده برق، خصوصی بوده است و امروزه نیز بخش عمده‌ای از این صنعت، خارج از حوزه اختیار و انحصار دولت فدرال اداره می‌گردد؛ به طوری که شرکت «آمریکن الکترونیک پاور» که شرکت انرژی آمریکا است و در زمینه تولید، انتقال و توزیع برق فعالیت می‌نماید، اکنون با در اختیار داشتن شبکه‌ای از ۶۳۰۰۰ کیلومتر خطوط انتقال برق، دارای بزرگ‌ترین شبکه برق‌رسانی در ایالات متحده آمریکا می‌باشد که ۳۸ ایالت را در مرکز و شرق ایالات متحده و شرق کانادا را پوشش می‌دهد و تقریباً ۱۱ درصد از تقاضای برق در شورای قابلیت اطمینان



الکتریکی تگ‌زاس را تحت پوشش قرار می‌دهد (Green Power Markets, 2024). در ایران اما، در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی، تأمین نیرو (تولید برق تا انتقال و توزیع آن به مشترکان) از وظایف دولت بر شمرده شده است و برای تحقق این هدف، تضمین تولید برق (بخش نیروگاهی صنعت برق)، بر عهده دولت است و قوانین متعدد خاص صنعت برق که در حال حاضر قابل استناد و لازم‌الاجرا می‌باشند بر نقش دولت در تأمین و تولید برق مطمئن و پایدار به مشترکان برق تصریح دارد. با وجود این، تجدید ساختار صنعت برق ایران از آبان ماه ۱۳۸۲ آغاز شد (شیوا و شهبازی، ۱۳۹۹: ۶۹) و با تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تدوین فعالیت‌های اقتصادی دولت، صرفاً شبکه‌های اصلی انتقال نیرو (بخش انتقال) به عنوان انحصار دولتی قلمداد گردید و بخش‌های تولید و توزیع در صنعت برق مکلف به واگذاری شده‌اند. در کشورهایی که دولت نهاد تأمین‌کننده برق محسوب می‌گردد، مسئولیت دولت در این باره، «مسئولیتی حاکمیتی» و در کشورهایی که نهاد تأمین‌کننده شرکت خصوصی است، مسئولیت شرکت تأمین برق «مسئولیت تصدی‌گری» تلقی می‌گردد. در نوشتار حاضر، مقصود از نهادهای تأمین‌کننده برق، متصدیان تولید و توزیع برق می‌باشند که مسئول تولید و توزیع برق مورد نیاز مشترکان و مصرف‌کنندگان می‌باشند و هرگونه اهمال در این خصوص، زمینه‌ساز طرح مسئولیت مدنی برای نهادهای مذکور خواهد بود. نوشتار حاضر با طرح این سؤال که مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در قبال خسارات ناشی از قطع برق در ایران و آمریکا مبتنی بر چه مبانی و ماهیت حقوقی‌ای می‌باشد؟ در تلاش به منظور انجام مطالعه‌ای تطبیقی و به تبع آن تبیین مبانی و ماهیت مسئولیت مدنی نهادهای مذکور در دو نظام حقوقی مذکور می‌باشد. با توجه به آنکه امروزه ضرورت تصویب قوانین جامع و هماهنگ با خطرات ناشی از زندگی صنعتی بیشتر احساس می‌گردد و در این خصوص، حقوق تطبیقی به ما کمک می‌کند تا با تدوین قواعد و قوانین به روز شده ابهامات و اجمال قوانین خود را مرتفع سازیم و این رویکردی است که پژوهش حاضر در پیش گرفته و در تلاش به منظور مطالعه رویکرد دو نظام



حقوقی ایران و آمریکا در خصوص موضوع «مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق» می‌باشد.

۲- مبانی حقوقی حاکم بر مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق

به‌طورکلی، اعمال دولت به دو نوع عمل تصدی و عمل حاکمیت تقسیم می‌گردد. تعاریف متعددی از امور حاکمیتی و تصدی‌گری ارائه شده است، از جمله اینکه «عمل حاکمیتی عملی است که دولت از حیث داشتن قدرت عمومی و به عنوان اعمال قدرت عمومی انجام می‌دهد و فقط در انحصار قدرت عمومی است» (ابوالحمد، ۱۳۸۸: ۵۱). همچنین، مطابق تعریفی دیگر، منظور از اعمال حاکمیت مواردی است که اشخاص حقوقی حقوق عمومی اعمالی را انجام می‌دهند که در انجام آن‌ها، حاکم و قدرت مطلق می‌باشند و به وسیله آن‌ها به مردم فرمان می‌دهند و تحکم می‌کنند و این اعمال قابل تفویض نیستند (موسوی‌مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۵) و طبعاً به وسیله دولت‌ها صورت می‌گیرد و به علت ارتباط با موضوعات حساس سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، صرفاً از طریق دولت‌ها تنظیم و اجرا می‌گردند (ضیائی و یعقوبی، ۱۴۰۱: ۲۲۳).

اعمال تصدی یا «تجاری» یا «خصوصی» در مقابل اعمال حاکمیتی است (Kunchel, 2011: 115). بر خلاف اعمال حاکمیتی قابل واگذاری به بخش خصوصی است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۳)؛ لذا می‌توان گفت، امور تصدی‌گری اموری هستند که اشخاص حقوقی حقوق عمومی مانند اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی انجام آن را بر عهده دارند، در انجام آن‌ها اعمال قدرت و تحکم نمی‌کنند، منافع آن‌ها لزوماً به همه جامعه نمی‌رسد و به اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی تفویض‌کردنی می‌باشند (موسوی‌مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

از زمانی که نظریه خصوصی‌سازی و محدود ساختن قلمرو انحصاری دولت به نفع بخش خصوصی در راستای کاهش تصدی‌های دولت و افزایش کارآمدی اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های جوامع مورد توجه قرار گرفت، جداسازی اعمال تصدی از اعمال



حاکمیتی و مشخص کردن قلمرو هر یک نیز به‌طور جدی‌تری دنبال شد تا بخش‌هایی که قابلیت واگذاری به اشخاص خصوصی را تحت عنوان اعمال تصدی دارد، مشخص شود (شیروی و سراج، ۱۳۹۹: ۶۶۵). در تفکیک و تمیز میان اعمال حاکمیتی و تصدی با تمرکز بر «ماهیت عمل» می‌توان تصریح نمود که در کل در صورتی عمل، تصدی خواهد بود که ماهیتاً توسط اشخاص خصوصی نیز قابل انجام باشد و چنانچه از اعمالی باشد که اشخاص خصوصی حق ورود به آن را ندارند، عمل حاکمیتی به شمار می‌آید (خضری، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

در خصوص اعمال تصدی و حاکمیتی در صنعت برق باید اذعان داشت که در تمامی جوامع، مالکیت نیروگاه‌های تولید برق، مدیریت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های بالادستی شامل تولید، خرید و فروش و توسعه در انحصار بخش دولتی است و صرفاً در مرحله انتقال و توزیع آن به مشترکان است که شاهد نقش‌آفرینی نهادهای خصوصی در نقش تصدی‌گری می‌باشیم. بر مبنای تفکیک و دسته‌بندی مذکور، در ادامه مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در ایران و آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- مصادیق مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق

۳-۱- مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید و تأمین

مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید و انتقال برق، از منظر حاکمیتی قابل طرح می‌باشد؛ با توجه به آنکه متولی تولید و انتقال برق در آمریکا، شرکت برق فدرال و در ایران، وزارت نیرو یا (وزارت آب و برق سابق) می‌باشند که هر دو نهادی دولتی تلقی می‌گردند، لذا می‌توان مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید و انتقال را از بعد حاکمیتی مورد بررسی قرار داد.

مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، نهادهای دولتی تأمین‌کننده برق، مسئول تولید برق مورد نیاز مشترکان و مصرف‌کنندگان



می‌باشند و این مسئولیت ناشی از «قرارداد» می‌باشد و بر مبنای قراردادی که با مشترکان خود دارد، ملزم به تأمین برق مصرفی آنان هستند؛ حال چنانچه نهادهای تأمین‌کننده برق اقدام به نقض تعهدات قراردادی خود نمایند و به تبع آن برق مورد نیاز مشترکان را تأمین نکرده و زمینه‌ساز قطع برق و بروز خاموشی گردند، بی‌شک مسئولیت مدنی پیدا خواهند نمود.

قراردادها و حقوق حاکم بر آن بخش مهمی از هر نظام حقوقی است که نظام حقوقی ایران و آمریکا از این مهم مستثنی نیستند و یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه، همواره تعیین ضمانت اجرای نقض تعهدات می‌باشد؛ با این تفاوت که مبنای مسئولیت در این دو نظام حقوقی متفاوت است؛ به طوری که در حقوق ایران این مسئولیت نهادهای تأمین‌کننده برق، مبتنی بر «تقصیر» است و خسارات قابل مطالبه ناشی از نقض تعهدات قراردادی، منوط به تصریح طرفین، عرف یا قانون گردیده است. در این خصوص، مواد متعدد قانون مدنی و قوانین دیگری نظیر بخش یازدهم آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی و نیز ماده ۶۸۸ آیین دادرسی کیفری ایران نیز قائل بر این می‌باشند که «هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد»، مواد ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ در قبال افراد مسئول و مکلف به جبران خسارت ناشی از تقصیر یا عدم مدیریت صحیح شخصیت حقوقی مطابق مواد پیش‌گفته ناظر بر ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی می‌باشند. همچنین شایان ذکر است، قانون مدنی ایران در مسئولیت قراردادی مذکور، تنها راه‌هایی از مسئولیت متعهد را، اثبات قوای قاهره دانسته (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴: ۴۱) و نامی از تقصیر نبرده است (حاجی‌عزیزی و غلامی، ۱۳۹۲: ۵۱). لذا نهاد تأمین‌کننده برق نمی‌تواند با اثبات بی‌تقصیری از مسئولیت معاف گردد. او باید ثابت نماید هرگونه تلاشی جهت اجرای عقد بی‌نتیجه بوده است. اگر متعهد در زمان عقد قرارداد قادر به پیش‌بینی مانع خارجی باشد و در عین حال اقدام به انعقاد قرارداد نماید، فرض بر آن است که با آگاهی از قوای قاهره قبول تعهد نموده و به همین علت می‌بایست در احتراز از آن تمهیدات لازم را مهیا می‌نموده است. لذا در چنین



مواردی استناد عدم اجرا به قوای قاهره نیز، نهاد تأمین‌کننده را از مسئولیت معاف نمی‌نماید.

در ایران وزارت نیرو یا (وزارت آب و برق سابق) مسئول تولید نیروی برق در کشور می‌باشد. بر مبنای «قانون سازمان برق ایران» مصوب ۱۳۴۶ به منظور توسعه تولید نیروی برق وزارت آب و برق موظف است با توجه به برنامه‌های اقتصادی و عمرانی کشور طرح‌های لازم و قطعی را تهیه و به موقع اجرا بگذارد (ماده ۱). تاکنون، عدم انجام تکالیف قانونی وزارت نیرو، دلیل قطع برق و بروز خاموشی‌ها در کشور بوده است؛ به طوری که بخش زیادی از خاموشی‌های اخیر در ایران مربوط به عدم انجام تکالیفی از جمله توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه برق هسته‌ای، توسعه ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی و مدیریت مصرف برق است که طبق برنامه‌های توسعه کشور بر عهده دولت و وزارت نیرو (به عنوان نهاد تأمین‌کننده برق در ایران) می‌باشد؛ به طوری که آمارهای وزارت نیرو حاکی از آن است که از ۲۵ هزار مگاوات برقی که باید در بخش نیروگاه‌ها حرارتی تولید می‌شد، در حال حاضر کمتر از این میزان محقق شده و علیرغم آنکه پیش بینی شده بود که ۵ هزار مگاوات برق توسط نیروگاه‌های تجدیدپذیر تولید شود اما در عمل کمتر از ۵ درصد محقق شده است و همچنان نقطه اتکا در تولید برق در کشور، نیروگاه‌های برقی می‌باشد. در خصوص برق هسته‌ای نیز، مسئولیت مکان‌یابی، طراحی، احداث، تأمین سوخت اتمی و بهره‌برداری از این نیروگاه تولید برق هسته‌ای به عهده شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه سازمان انرژی اتمی ایران است و در این زمینه وزارت نیرو در جایابی بهینه، برآورد و تعیین ظرفیت متناسب با ساختار شبکه برق مسئولیت دارد و با سازمان انرژی اتمی همکاری می‌کند.

اما در حقوق آمریکا، مبنای ایجاد مسئولیت قراردادی نهادهای خدماتی ارائه‌کننده برق



به مشترکان، «مسئولیت محض» است (وینسنت و چنگلین^۱، ۲۰۱۸: ۱۰۶۶) که اشاره به مسئولیتی دارد که مبتنی بر وجود یا اثبات تقصیر در عامل زیان یا فعل زیان بار نیست و صرف ایراد ضرر برای عامل آن ایجاد مسئولیت می‌کند (جرفی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۹)، بدون اینکه به غفلت یا انگیزه ایجاد خسارت، توجهی شود. مسئولیت این نهادهای خدماتی صرفاً بر اساس نقض وظیفه تعهد ایجاد می‌شود؛ لذا در این نظام حقوقی به محض احراز تخلف از انجام تعهدات قراردادی، بدون توجه به دلیل نقض یا ارتکاب تقصیر، متعهد مسئول جبران خسارت قرار می‌گیرد؛ چرا که تعهدات قراردادی به مثابه قدرت انتخاب متعهد در اجرای تعهدات قراردادی یا پرداخت خسارت است (هیلمن^۲، ۲۰۱۴: ۲۷۹-۲۷۸).

اعمال مسئولیت محض در حقوق قراردادهای به محض نقض قرارداد، بدون در نظر گرفتن ارتکاب تقصیر یا عدم آن و همچنین بدون در نظر گرفتن دلیل نقض، سبب تعیین تکلیف قطعی و فوری در منازعات با کمترین هزینه می‌گردد. متعهدین با اطمینان از ایجاد مسئولیت به محض تخلف، انگیزه زیادی در حفظ قرارداد و پیشگیری از نقض‌های غیرضروری دارند و چنانچه به هر علتی این تعهدات نقض گردد، با توجه به امکان پیش‌بینی نتیجه دادرسی، تلاش خواهند کرد بدون ورود به دادرسی، با مصالحه و توافق مسائل خود را حل‌وفصل نمایند (واحد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۳).

در نظام حقوقی آمریکا اصل‌ای تحت عنوان «قراردادهای باید حفظ شوند» وجود دارد که در حقوق آمریکا به این معناست که دلیل عدم اجرای تعهد از سوی ناقض، فاقد اهمیت است؛ به همین دلیل متعهد، حتی در صورت عدم ارتکاب تقصیر، در قبال کلیه خسارات مسئول است. پرداخت خسارت تحت حقوق قرارداد به معنای قضاوت در رفتار متعهد نبوده و مسئولیت با درجه تقصیر او تغییر نمی‌کند؛ چرا که مسئولیت محض در حقوق آمریکا به این معناست که قرارداد متضمن تعهد به نتیجه است و دلیل

1 - Vincent & Chenglin

2 - Hillman



عدم اجرا اهمیتی ندارد (کوهن^۳، ۲۰۰۹: ۱۴۴۶)؛ چرا که در نظام حقوقی آمریکا این دیدگاه غالب است که متعهد در هنگام عقد قرارداد، تعهداتی را بر عهده می‌گیرد که توانایی و امکانات لازم در اجرای آن را داشته باشد. تحمیل مسئولیت محض قراردادی، متعهدین را از عقد قراردادی که قادر به اجرای تعهدات نباشد، باز می‌دارد. فرض بر آن است که متعهدین با در نظر گرفتن منافع، هزینه‌ها و موانع احتمالی تعهداتی را بر عهده می‌گیرند که قادر به انجام آن هستند. با این حال، در دهه‌های اخیر حقوق‌دانان این کشور سعی در گسترش مسئولیت قراردادی بر مبنای تقصیر دارند و بر این تلقی می‌باشند که لزوم حفظ ارزش‌های اخلاقی، نیازمند توجه به درجه تقصیر ارتكابی و نوع آن در تعیین مسئولیت است (ایزنبرگ^۴، ۲۰۰۹: ۱۴۱۴-۱۴۱۳). ایجاد مسئولیت بر عهده متعهد در صورت عدم ارتكاب تقصیر غیراخلاقی است.

از جمله مصادیق احراز مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید، می‌توان به عدم توانایی در تولید میزان برق مشترکان اشاره داشت؛ در صورتی که تولید انرژی برق نیازمند کار کارشناسی و احداث سدها و نیروگاه‌های آبی، نیروگاه‌های بادی و خورشیدی، هسته‌ای و... باشد، نهاد تأمین‌کننده برق ملزم به برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و تسهیل فرایند تولید و تأمین این کالای ارزشمند می‌باشد. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، چیزی حدود ۴۰۰ هزار مگاوات برق تولید می‌شود که بخش عمده‌ای از آن از طریق سوخت‌های فسیلی و زغال‌سنگ تأمین می‌شود و در کنار آن منابع دیگری مانند انرژی هسته‌ای، انرژی بادی و برق آبی نیز در تولید برق این کشور مؤثر هستند؛ به طوری که به منظور تولید برق، سدهایی چون «گرند کولی» که یک سد وزنی و نیروگاه برق آبی در ایالات متحده آمریکا است، در شهرستان اوکانوگان، واشینگتن (توماس و ویلیامسون^۵، ۲۰۱۹)؛ سد هوور که یکی از بزرگ‌ترین سدهای

3 - Cohen

4 - Eisenberg

5 - Thomas & Williamson



ایالات متحده آمریکا است بر روی رودخانه کلرادو در جنوب شرقی شهر لاس وگاس در مرز بین ایالت‌های نوادا و آریزونا؛ سد و... ساخته شده است و در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری‌های بسیار خوبی در راستای تأمین برق از نیروگاه‌های خورشیدی، بادی و اتمی صورت پذیرفته است تا برق مورد نیاز مشترکان در این کشور تأمین گردد. در این میان، برای انجام دهندگان فعالیت‌های مفید اما خطرناک مانند تولیدکنندگان و بهره‌برداران تأسیسات اتمی که در تولید و تأمین برق مشارکت دارند، در نظام حقوقی آمریکا، مسئولیت محض و الزام به خرید پوشش بیمه به منظور جبران خسارات احتمالی مقرر گردیده است (مولودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۶).

در کنار تولید، شاهد «تأمین» برق توسط نهادهای تأمین‌کننده به روش‌هایی غیر از تولید (خرید و فروش برق) نیز می‌باشیم. بر خلاف نفت و گاز، برق، جرم و ماده فیزیکی نیست که به راحتی و به طور معمول، قابل جابه‌جایی یا ذخیره باشد (قناد و مسگری، ۱۳۸۴: ۲۳). الکتریسیته فرایندی است که در سرتاسر سیم‌های برق، جریان یا انتقال یافته و در همان لحظه (کمی بیشتر یا کمتر) که تولید شده، باید به مصرف برسد (Stoft, 2002: 25). غیرملموس بودن برق، عدم امکان ذخیره و لزوم مصرف به محض تولید، به عنوان ویژگی ممتاز، باعث شده بود که سابقاً آن را خدمت تلقی کنند (Mathur, 2014: 45). اما بازنگری در ساختار عمومی صنعت برق و تفکیک تولید برق از انتقال و توزیع آن، سبب شد تا هر یک از این فعالیت‌ها نیاز به تعریف دقیق داشته باشد، چرا که تعاریف، محملی برای تفسیر و حل و فصل اختلافات حقوقی است. بر این مبنا، اگر چه تاکنون تعریف جامع حقوقی از برق نشده است، به نظر می‌رسد با توجه به دلایل فنی از جمله قابلیت اندازه‌گیری، قابلیت جابه‌جایی، دارا بودن مشخصات و خصوصیات کیفی از جمله ولتاژ، فرکانس و ضریب قدرت، برق فی‌نفسه خود کالاست، لیکن ترانزیت، انتقال، توزیع و خدمات جانبی آن، خدمت محسوب می‌شود. یادداشت تفسیری سامانه کدگذاری استاندارد کالا و خدمات سازمان ملل نیز در صورتی انتقال، توزیع، ترانزیت خدمات جانبی را خدمت دانسته است که ارائه‌دهنده مستقل از تولیدکننده



برق، آن را انجام داده باشد (Horlick et al., 2002: 15).

قوانین و رویه قضایی برخی از کشورها از جمله ایالات متحده نیز این برداشت را تأیید می‌کند؛ برای نمونه، دادگاه تجدید نظر ماساچوست در پرونده‌ای در سال ۲۰۰۹ با تفسیر تعریف قانون یکنواخت تجاری که قابلیت جابجایی (حرکت) در زمان تعیین مبیع در قرارداد را وجه تمایز کالا از خدمت دانسته است و برق را قابل اندازه‌گیری، سرقت و انتقال (متحرک بودن) تلقی کرده و قراردادهای خرید و فروش برق را تحت شمول قانون یکنواخت تجاری عنوان نمود و تصریح داشت که دادگاه، قراردادهای تأمین برق را نیز مشمول قانون یکنواخت تجاری می‌داند؛ چرا که تأمین‌کننده برق را که از تولید کنند خریدار است، بازفروش می‌کند و این قرارداد، خرید خدمت از تأمین‌کننده نیست (Commonwealth v. Catalano, 74 Mass. App. Ct. 580, 584, 2009).

اثر حقوقی تعیین جایگاه برق در نظام تجارت بین‌الملل به عنوان کالا یا خدمت، از تفاوت در تعهد دولت‌ها ناشی می‌شود و امروزه، به خصوص در چهارچوب قواعد فعلی سازمان تجارت جهانی، برق را باید کالا و خدمات جانبی آن نظیر توزیع، ترانزیت و ... را خدمت شناسایی کرد (Macedo, 2010).

اما معما و چالش اصلی، در خصوص ماهیت برق به عنوان کالا یا خدمت است. این معما ملاحظات حقوقی آن را پیچیده‌تر کرده و اختلاف نظرها در خصوص این مسئله بسیار متنوع است. برخی کشورها، برق تجدیدپذیر (هیدروالکتریک، بادی، خورشیدی و...) را خدمت و برق تولیدی در نیروگاه‌های حرارتی را کالا قلمداد می‌کنند، با این استدلال که در موارد نخست، فرایند تولید، آن‌گونه که در سایر کالاها رایج است، صورت نمی‌پذیرد (Horlick et al., 2002:3). حال آنکه، در زمان امضای موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در سال ۱۹۴۷ برق به دلایلی نظیر عدم قابلیت ذخیره‌سازی، در زمره کالاها تلقی نشد لیکن بعداً بیشتر اعضا نظیر آمریکا، برق را در جدول کالاها وارد کرده و تعرفه‌هایی نیز بر آن وضع کردند (قرباغی، ۱۳۸۸: ۱۷۸). هر چند بعدها، دبیرخانه شورای تجارت خدمات، در مورد کالا یا خدمت بودن برق، اظهار نظر کرد که



برخی از فرآورده‌های انرژی مشخصاً در مقوله کالایی قرار می‌گیرد، اظهار نظر در خصوص برق را مسئله دشواری دانست؛ اساساً بر مبنای همین پیچیدگی در ماهیت است که در نظام حقوقی آمریکا هر چند در خصوص مسئولیت ناشی از عیب ناشی از کالا (برق) تمایل به سمت مسئولیت محض قرار گرفته است، اما دادگاه‌های این کشور امکان طرح دعوی جبران خسارت بر اساس مسئولیت محض علیه تولید کنندگان این کالای ارزشمند را خطری اساسی تلقی و بر این باور هستند که اگر زیان دیده امکان طرح دعوا بر این مبنا را داشته باشد، ممکن است وی از رویکرد تفنگ ساچمه‌ای^۶ استفاده و در هر صورت تولید کنندگان را نیز طرف دعوا قرار دهد (کیبری شاه آباد و شیروانی، ۱۴۰۳: ۹۱).

در کنار چالش کالا یا خدمت بودن برق، چالش دیگری که در خصوص تأمین برق وجود دارد، منبع تأمین آن می‌باشد. برخی ایالت‌های آمریکا در مقررات خود، بعضاً تأمین تا ۴۰ درصد برق مصرفی از منابع تجدید ناپذیر را الزامی دانسته و در عین حال برق تولیدی از نیروی برق‌آبی را برق تجدیدپذیر محسوب نمی‌کنند. در حالی که حدود ۶۰ درصد برق تولیدی کانادا به عنوان یکی از صادرکنندگان عمده برق به ایالات متحده، از منابع هیدروالکتریک تأمین می‌شود (Green Power Markets, 2024).

در نتیجه پراکندگی مقررات ایالت‌های آمریکا در تعریف برق تجدیدپذیر، منجر به آن خواهد شد که تأمین‌کنندگان انرژی و دلان برق، به تأمین انرژی از سایر ایالت‌ها و کشورها روی آورند و این مسئله بر سهم بازار شرکت‌های تولیدکننده برق هیدرو الکتریک در بازار برق آمریکا اثر منفی خواهد گذاشت (Horlick et.al., 2002: 14). از آن رو که امروزه بسیاری از کشورهای جهان به منظور صرفه‌جویی در مصرف سوخت‌های فسیلی و حفظ محیط زیست، حمایت بیشتری از تولید برق تجدیدپذیر صورت می‌گیرد و این سیاست سبب می‌شود تا سرمایه‌گذاران به سمت اجرای

6 - shotgun approach



طرح‌های توسعه انرژی تجدیدپذیر رفته و سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌های حرارتی کاهش یابد (Reid, 2015: 250); البته بدیهی است در چنین شرایطی سهم تأمین برق فسیلی از بازار داخلی یک کشور به میزان چشمگیری در بلند مدت کاهش خواهد یافت؛ بنابراین رفتار متفاوت با برق فسیلی در مقایسه با برق تجدیدپذیر و محدودیت در واردات آن، به عنوان محدودیت مقداری قلمداد شده و اصولاً ممنوع است مگر اینکه کشور اعمال‌کننده محدودیت بر برق فسیلی وارداتی، همین محدودیت‌ها را نیز بر برق فسیلی داخلی اعمال کند تا محدودیت غیرتعرفه‌ای اعمال شده موجه باشد (رضانی قوام آبادی، ۱۳۸۸: ۷۲). از سویی دیگر، از آنجا که دادوستد برق، منحصرأ از طریق شبکه‌های انتقال و توزیع میسر است و از طرف دیگر احداث شبکه‌های توزیع انتقال متعدد، نه به لحاظ اقتصادی مقرون‌به‌صرفه بوده و نه از لحاظ فنی میسر است، شرکت‌های فعال در بازار برق، به ناچار باید از خطوط موجود به منظور اجرای قراردادهای خریدوفروش برق استفاده کنند (Azaria, 2009: 112); همین مسئله باعث ایجاد تراکم در خطوط انتقال شده و از آنجا که ظرفیت هر خط انتقال برای ترانزیت برق محدود است و تزریق بیش از حد توان، منجر به شکم‌دادگی، حتی ذوب سیم‌ها و اختلال در سایر خطوط و بعضاً کل شبکه می‌شود (Stoft, 2002: 714)، وجود هماهنگ‌کننده واحد به منظور جلوگیری از تشست و پراکندگی در استفاده از خطوط، ضروری است (رنجبران و قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۲). محدودیت شبکه‌های توزیع و انتقال، طبعاً به دنبال خود، محدودیت‌هایی را نیز فراروی تجارت و دادوستد بین‌المللی برق ایجاد می‌کند. از طرف دیگر اتصال شبکه برق چند کشور به یکدیگر، حساسیت این بخش و لزوم تبعیت از دستورهای بهره‌بردار مستقل سامانه را دوچندان می‌کند تا از بروز حوادث و اختلالات در خطوط و بروز خاموشی جلوگیری شود. از جمله تدابیری که در این باره اندیشیده شده است آن است که هر خط انتقال با توجه به معیارهای مختلف در هر بازه زمانی، مقدار محدودی از توان را ترانزیت نماید. بر طبق حقوق آمریکا، هر گونه خسارت و بروز حادثه احتمالی، مسئولیت محض را برای تأمین‌کنندگان انرژی و شرکت‌های



خدماتی مربوطه در پی خواهد داشت.

در ایران، نیز بر اساس ماده ۲ قانون اصل ۴۴ و بند الف ۲-۵ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مالکیت و کنترل شبکه‌های اصلی انتقال برق در دست دولت است، لیکن بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه، شرایط و تضمین خرید برق موضوع بند (ب) ماده ۲۵ قانون برنامه چهارم توسعه، تمامی تولیدکنندگان و فعالان بازار برق، تحت نظارت شرکت مدیریت شبکه برق ایران باید آزادانه و بدون تبعیض به شبکه‌های برق دسترسی داشته باشند؛ بنابراین ارزیابی برای اتصال به شبکه باید صرفاً فنی باشد تا از بروز خسارات و خاموشی برای مشترکان برق جلوگیری به عمل آورد (نیکبخت و هفتانی، ۱۳۹۶: ۱۰۵). از این رو، در نگاه اول، به نظر می‌رسد، نهاد تأمین‌کننده برق باید با احداث خطوط انتقال گسترده، امکان اجرای کلیه قراردادهای بیع، سوآپ یا ترانزیت برق را فراهم کنند، اما همان طور که اشاره شد، این مسئله علاوه بر موانع فنی، مقرون به صرفه هم نیست؛ بنابراین محدودیت خطوط انتقال باید رعایت گردد تا اخلاقی در خصوص انتقال برق معامله شده که همان خطوط انتقال برق به مشترکان می‌باشد، به وقوع نپیوندد؛ لذا اتخاذ تدابیر فنی و کارشناسانه لازم در این باره، حائز اهمیت است و هرگونه اهمال در این خصوص، زمینه‌ساز طرح مسئولیت مدنی خواهد بود.

از دیگر استانداردها و موانع فنی که در دادوستد بین‌المللی برق، باید رعایت گردد و عمدتاً محدودیت‌هایی را ایجاد خواهد کرد، ظرفیت خطوط انتقال است. اساساً بعد از روند تجدید ساختار در صنعت برق، طبعاً متقاضیان استفاده از خطوط انتقال نیز افزایش چشمگیری یافته است و این در حالی است که عمدتاً ظرفیت خطوط انتقال در همان سطح قبل از تجدید ساختار باقی مانده است (Azaria, 2009: 92). این وضعیت ضمن تحمیل محدودیت کلی، نهادهای تأمین‌کننده برق را نیز به ناچار به سمت اولویت‌بندی اجرای قراردادها سوق داده است؛ بنابراین شبکه نمی‌تواند هر مقدار از توان تزریقی از خطوط بین‌المللی انتقال از سوی واردکنندگان را جذب کند بلکه هر خط انتقال تا جایی که ظرفیت و سایر الزامات فنی اجازه دهد، قادر به ترانزیت برق خواهد



بود (قناد و مسگری، ۱۳۸۴: ۳۴)؛ بنابراین عدم پذیرش صادرات یا واردات برق به دلیل رعایت استانداردهای «امنیت» خطوط انتقال، تنها در صورتی که ضروری باشد، مجاز خواهد بود. از آنجا که اولاً، محدودیت‌های خطوط انتقال، ذاتاً سلیقه‌ای و اختیاری نبوده و بر اساس امکانات انتقال هر کشور تعیین می‌شود و ثانیاً رعایت آن‌ها برای حفظ پایداری شبکه برق سراسری بسیار حیاتی و ضروری است و ثالثاً، اغلب از نظر فنی و فناوری، جایگزین دیگری جز رعایت این ضوابط و قیود برای حفظ امنیت شبکه وجود ندارد، به نظر می‌رسد رعایت آن‌ها ضروری بوده و با هدف حفظ پایداری شبکه و نه محدود کردن تجارت بین‌المللی اعمال می‌شوند.

در ایران، شرکت مدیریت شبکه برق ایران به عنوان هماهنگ‌کننده اصلی ترانزیت و انتقال برق در سراسر کشور، مسئولیت حفظ پایداری شبکه را بر عهده دارد. این شرکت باید با در نظر گرفتن عوامل گوناگون، همواره تعادل میان عرضه و تولید را حفظ کند (ماده ۲ اساسنامه شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۳ هیئت وزیران). هرگونه ترانزیت در شبکه برق و خطوط بین‌المللی برق کشور باید با هماهنگی قبلی این شرکت باشد. با توجه به فراهم شدن تدریجی امکان صادرات برق برای بخش خصوصی با کسب مجوز قبلی، تأمین‌کننده موظف است ضمن ارائه قرارداد تأمین برق با مصرف‌کننده، مشخصات نقاط تحویل و دریافت برق در شبکه را به شرکت مدیریت شبکه ارائه و این شرکت بر اساس ضوابط موجود، امکان یا عدم امکان انتقال برق به مصرف‌کننده را اعلام کند. با توجه به محدود بودن خطوط بین‌المللی انتقال برق، ممکن است مجوز ترانزیت مقدار کمتری از آنچه در قرارداد آمده صادر شود (تبصره ۵ و ۶ ماده ۱۰ قرارداد ترانزیت شرکت مدیریت شبکه برق ایران). پس از تولید یا خرید برق مورد نیاز، بر مبنای ماده ۲ «قانون سازمان برق ایران» مصوب ۱۳۴۶ وزارت آب و برق مکلف است بعد از انجام مطالعات کافی کشور را از نظر تأمین برق بدون توجه به تقسیمات کشوری به مناطقی تقسیم نماید و برای تأمین برق آن مناطق به تدریج اقدام به تأسیس شرکت‌های برق منطقه‌ای بنماید تا فرایند انتقال برق به مشترکان صورت



پذیرد.

۳-۲- مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله توزیع

نهادهای تأمین‌کننده برق، در کنار تولید و تأمین انرژی برق، متولی انتقال و توزیع برق به عنوان یک کالای شناخته‌شده و مورد دادوستد می‌باشد و نقش اساسی در ارائه خدمات به مشترکان و مصرف‌کنندگان برق در محدوده قرارداد منعقد در راستای انتقال و واگذاری برق دارا می‌باشد؛ در دو کشور ایران و آمریکا، توزیع برق بین مشترکان، توسط نهادهای تأمین‌کننده برق که ماهیت خصوصی داشته یا مستقل از وزارت نیرو یا شرکت برق فدرال می‌باشند، صورت می‌پذیرد؛ بر این مبنا ماهیت اعمال نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله توزیع را می‌توان از بعد تصدی‌گری مورد مطالعه قرار داد.

بر مبنا نقش تصدی‌گری، «شرکت برق»، دارای مسئولیت قراردادی در قبال مشترکان بوده و در قبال سایر شهروندان و کسانی که خارج از شمول قرارداد از ناحیه شرکت‌های توزیع نیروی برق در زمینه فعالیت ایشان دچار خسارت می‌شوند، از نظر مسئولیت خارج از قرارداد یا مسئولیت قهری، واجد مسئولیت تلقی گردیده و ملزم به پاسخگویی و در صورت لزوم جبران خسارت است؛ که البته احراز این مسئولیت در هر نظام حقوقی، مبتنی بر شرایطی می‌باشد.

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در این مرحله مبتنی بر تقصیر است اما در نظام حقوقی آمریکا، موارد بسیار محدودی را می‌توان یافت که در این مرحله، مسئولیت مدنی برای نهادهای تأمین‌کننده برق قابل طرح باشد و اساساً احراز مسئولیت مدنی در این مرحله برای نهادهای خدماتی ارائه‌دهنده برق به مشترکان بسیار دشوار است و آن از سوی به واسطه سازکارهایی می‌باشد که در این کشور در راستای رعایت استانداردهای انتقال برق، تقسیم مسئولیت و دخیل دانستن مصرف‌کنندگان و مشترکان در خسارات احتمالی و پایین آوردن ضریب ضررهای



مادی شرکت‌های خدماتی مربوطه، اعمال می‌گردد و از سویی دیگر به سبب آن است که اساساً «تقصیر» در حقوق آمریکا ذیل مبحث خطاهای عمدی قرار می‌گیرد و در این موارد، زیان دیدگان برای مطالبه خسارت خود باید اثبات نمایند که خواننده به صورت عمدی و غیرقانونی موجب ایراد خسارت به ایشان شده است. اثبات ارادی بودن فعل زیان‌بار و رفتار خلاف قانون به معنای احراز تقصیر متخلف و در نتیجه ایجاد مسئولیت بر عهده اوست (Barenes, 2007: 15-16) که البته اثبات این امر کار دشواری می‌باشد. با وجود این، همچنان در مرحله توزیع برق میان مشترکان نیز، مصادیقی قابل ذکر است که می‌توان احراز مسئولیت مدنی برای نهادهای تأمین‌کننده برق نمود که به شرح ذیل می‌باشند:

الف) مسئولیت ناشی از اهمال و کوتاهی در تدابیر پیشگیرانه و اقدامات امنیتی در کشورها و مناطق جغرافیایی که تغییرات جوی و آب و هوایی بسیاری را تجربه می‌کنند و عمدتاً درگیر تغییرات آب و هوایی ناگهانی و سهمگین می‌باشند که می‌توان از آن‌ها به عنوان بلایای طبیعی نیز نام برد که کشور ایران و ایالات متحده آمریکا از جمله این کشورها می‌باشد، لزوم اندیشیدن تدابیری پیشگیرانه به منظور پیشگیری از قطع برق و بروز خاموشی، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

در ایالات مختلف آمریکا، طوفان‌های فصلی، عمدتاً سبب ایجاد اختلال در شبکه انتقال و توزیع برق به مشترکان می‌باشد و زمینه‌ساز طرح پرونده‌های حقوقی به منظور جبران خسارات مشترکان می‌گردد. همان‌گونه که پیش از این ذکر آن رفت، در دعوای جبران خسارت در نظام حقوقی آمریکا، زیان‌دیده باید اثبات کند اقدام خواننده (نهاد تأمین‌کننده برق) علت تامه سبب ورود خسارت بوده است. در غیر این صورت دعوی مطالبه خسارت او رد خواهد شد. در راستای تبیین این مسئله استفاده از قاعده صرفاً به دلیل، متداول است که هدف آن حذف عواملی است که تأثیری در وقوع خسارت نداشته‌اند. این قاعده چنین مقرر می‌دارد: اگر خسارت به جهت عدم وقوع یک تقصیر خاص واقع نمی‌شد در این صورت آن تقصیر، سبب وقوع خسارت مزبور تلقی می‌گردد



و اگر وجود یا عدم وجود تقصیر در تحقق یک خسارت به یک میزان مؤثر بوده باشد، تقصیر صورت گرفته سبب وقوع خسارت محسوب نمی‌گردد. با وجود این، در صورتی که مشترکان بتوانند اثبات نمایند که شرکت خدماتی برق اهمال یا کوتاهی در انجام تدابیر پیشگیرانه نموده باشد، یا در صورت اتخاذ تصمیمات غیرمعقول، در صورت بروز خسارت، مسئول تلقی می‌گردد. از جمله مصادیق اهمال یا کوتاهی در انجام تدابیر پیشگیرانه، مربوط به خساراتی می‌باشد که ناشی از تغییرات آب و هوایی و عمدتاً طوفان‌های فصلی این کشور به وقوع می‌پیوندد و سبب قطع برق و اختلال در شبکه انتقال و توزیع برق به مشترکان می‌گردد. در این راستا برای نمونه، پس از قطعی طولانی مدت برق در سال ۲۰۱۱، کمیسیون‌های خدمات شهری، قوه مقننه و فرمانداران برای پاسخگویی بیشتر شرکت‌های برق اقدام کردند. انتقاد گسترده عمومی و دولتی از واکنش طوفان کانکتیکات لایت اند پاور باعث ایجاد قانون جدیدی در این ایالت شد. طوفان ۲۹ اکتبر ۲۰۱۱ خدمات بیش از ۸۰۰۰۰۰ مشتری را در طول چند روز از بین برد. شواهد نشان داد که شرکت برق برای طوفان آماده نبود و تلاش‌های مرمتی ناقصی انجام داده است (Pocono Record, 2011).

در آمریکا، عمدتاً شرکت تأمین‌کننده خدمات برق زمانی که قطعی بیش از مدت‌زمان معینی طول بکشد، مقدار کمی غرامت تقریباً خودکار را به مشتریان ارائه می‌دهند که از آن تحت عنوان «ضمانت» یا «گارانتی» نام می‌برند که مثال بارز آن «برنامه شبکه ایمنی PG&E» است که به مشترکانی که بیش از ۴۸ ساعت به دلیل «رویدادهای شدید مانند طوفان» بدون برق می‌مانند، پرداخت می‌کند. این برنامه «۲۵ تا ۱۰۰ دلار به طور خودکار ۶۰ تا ۱۲۰ روز پس از قطع شدن» می‌پردازد که این مبلغ به مدت‌زمان قطع بستگی دارد. در ۱۴ آگوست ۲۰۰۳ یک قطع برق در آمریکای شمالی در هشت ایالت ایالات متحده آمریکا و بخش‌هایی از کانادا گسترش یافت و بیش از ۵۰ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار داد و تا ۳ روز ادامه داشت. پیامدهای مالی توسط مطالعه‌ای بر اساس بررسی تمایل مصرف‌کنندگان نهایی به پرداخت برای جلوگیری از قطع برق تعیین شد. تمایل به



پرداخت صد برابر قیمت ۱ کیلووات ساعت برق تعیین شد. ضرب این رقم با تعداد افراد آسیب‌دیده و میانگین طول خاموشی، مقداری بین ۶/۸ تا ۱۰/۳ دلار آمریکا برآورد شد (ICF Consulting, 2003: 2) و یک مطالعه خاموشی که هزینه‌ها را بین ۴/۵ تا ۸/۲ میلیارد دلار تخمین زده شده بود نیز به نتیجه مشابهی رسید (Anderson & Geckil, 2003: 3).

اما با وجود این، این مصونیت دلیل بر آن نمی‌شوند که شهروندان که در نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم قطعی برق، با مشکل تأمین آب یا سایر خدمات ارائه‌شده توسط یک شرکت خدمات عمومی متحمل نوعی آسیب شده‌اند، در پی جبران خسارت برنیایند و طرح شکایت ننمایند؛ اما آنچه مسلم است آن است که در آمریکا، زمانی که قطع برق ناشی از پدیده‌های آب و هوایی باشد، این نوع موارد به ندرت موفق به دریافت خسارت و احراز مسئولیت مدنی برای شرکت تأمین‌کننده خدمات برق می‌شوند.

چنین روایی در ایالات متحده آمریکا ممکن است خیلی منصفانه به نظر نرسد، اما دلیل اصلی که دعوی شهروندان علیه یک شرکت خدمات عمومی نظیر شرکت تأمین‌کننده خدمات برق احتمالاً خیلی دور نخواهد بود این است که خود شرکت، پارامترهای مسئولیت بالقوه خود را برای مشتریان در زمانی که مشکلی در ارائه خدمات پیش می‌آید ترسیم می‌کند. بدین معنا که شرکت تأمین‌کننده خدمات برق، شرایطی را تعیین می‌کند که بر اساس آن موافقت می‌کند برق یا سایر خدمات را به مشتریان مسکونی و تجاری در یک منطقه معین ارائه کند، از نرخ‌ها گرفته تا اختلافات مربوط به صورت‌حساب و همه چیز از این قسم. این شرایط قرارداد خدمات معمولاً در چیزی به نام کتاب تعرفه موجود است و در جایی از این کتاب تعرفه که توسط کمیسیون خدمات عمومی ایالتی تأیید می‌شود، قاعده‌ای وجود دارد که شرایطی را توصیف می‌کند که در آن شرکت تأمین‌کننده خدمات برق را می‌تواند و نمی‌تواند از نظر قانونی در قبال خسارات وارده به مشتریان و شهروندان در صورت «وقفه در سرویس» یا «ناکافی بودن تأمین» در مورد برق یا منبع دیگری مسئول دانست. به واقع



باید اذعان داشت در حقوق آمریکا و در قالب دفترچه مذکور، مواردی از «محدودیت مسئولیت» شرکت تأمین‌کننده خدمات برق مطرح گردیده است که جمله آن‌ها، وقوع حادثه یا پدیده‌ای غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد که زمینه‌ساز آن می‌گردد که نهاد تأمین‌کننده برق، از مسئولیت معاف شود؛ اما در این میان، ارتکاب تقصیر حتی اگر جزئی باشد، او را مسئول کلیه خسارات قرار می‌دهد؛ اما در خسارات مورد انتظار، ایجاد مسئولیت به علت ارتکاب تقصیر قابل اغماض، به خصوص در مواردی که خسارتی به متعهد له وارد نشده امری بر خلاف انصاف و اخلاقیات است (Eisenberg, 2009: 1419).

در حقوق ایران، فعل به صورت مثبت یا منفی می‌تواند تعهدآور باشد این نکته را نیز باید در نظر داشت که فعل یا ترک فعل زیان‌آوری مسئولیت آور است که برخلاف مقررات قانونی صورت گرفته باشد. لذا همان‌طور که در تشریح ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی ذکر شد رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی از جمله عواملی هستند که علی‌رغم وجود فعل زیان‌بار مسئولیت را از فاعل آن می‌زداید. با توجه به اینکه در بیشتر مواردی که برای جبران خسارت به شرکت توزیع نیروی برق مراجعه می‌شود این شرکت‌ها با این توضیح که هشدارهای لازم را به مصرف‌کنندگان برای جلوگیری از بروز خسارت به لوازم الکتریکی داده‌اند از جبران خسارت سر باز می‌زنند.

برای بررسی حدود مسئولیت نهادهای تأمین‌کننده برق به عنوان فاعل فعل زیان‌بار در بروز خسارت، لازم است در گام نخست به تشریح «قاعده تحذیر» پرداخته شود. بر مبنای قاعده تحذیر، هر چند اصل آن است که مباشر مسئول ورود خسارت، است ولی در مواقعی که انتساب خسارت به عمل عامل با واسطه آن که در اصطلاح سبب گفته می‌شود از انتساب آن به عمل مباشر اقوی باشد، سبب مسئول خسارت خواهد بود. در مورد قاعده تحذیر، چنانچه از سوی خسارت‌زننده هشدار داده شده و تمام شرایط و عناصر لازم نیز رعایت شده باشد اما خسارت‌دیده به آن ترتیب اثر ندهد و به این واسطه خسارتی به او وارد شود، انتساب ضرر و زیان به خود او اقوی از انتساب آن



به خسارت‌زننده است.

در این خصوص، علمای حقوق معاصر مسئله را از طریق عنصر تقصیر حل می‌کنند، طبق تحلیل آنان خسارت‌زننده با هشدار قبلی، خود را از هرگونه تقصیری مبری کرده و تقصیری متوجه او نیست و به عبارت دیگر مباشر (خسارت‌زننده) مقصر نیست و سبب (خسارت‌دیده) مقصر است بنابراین سبب اقوی از مباشر است و مسئولیت متوجه او خواهد بود در بحث ما سبب ورود خسارت شخص خسارت‌دیده و مباشر آن خسارت‌زننده است و خسارت‌دیده که علی‌رغم شنیدن هشدار و امکان فرار (که از شرایط و ارکان رفع مسئولیت است) اقدام به ورود به محل خطر کرده مقصر است و انتساب خسارت به او اقواست و در نتیجه این مورد از مواردی است که سبب اقوی از مباشر است؛ مانند زمانی که به جهت قدمت خطوط انتقال برق و احتمال برق‌گرفتگی مأمورین شرکت برق به انحای مختلف خطرات ناشی از تردد در پیرامون خطوط برق را به ساکنین منازل اطراف خط هشدار داده ولی برخی ساکنین توجهی ننموده‌اند و به آن‌ها خسارت وارد شده باشد (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۲۷۴)؛ مانند نصب تابلوهای هشداردهنده مبنی بر ممنوعیت و اخطار شدید در استفاده از جرثقیل در مجاورت تأسیسات برق که در صورت وقوع برق‌گرفتگی، تقصیر زیان‌دیده قابل فرض است. در این میان، یکی از شرایط اساسی برای استفاده از قاعده و احراز عدم مسئولیت هشداردهنده ضرورت و الزام اعلام وجود خطر به نحو صریح و متعارف به مخاطبان است. بدین معنا که هشداردهنده می‌باید افراد را از وجود خطری که ممکن است مال یا جان آنان را در معرض تلف یا نقص قرار دهد آگاه سازد تا آنان از نزدیک شدن به خطر دوری نمایند. چنانچه هشدار بعد از وقوع حادثه اعلام گردد؛ روشن است که به مثابه عدم وجود هشدار خواهد بود و هشدار باید قبل از ورود خسارت به مخاطبان ابلاغ شده و در معرض دید آنان قرار گیرد. مثلاً در محل‌های پر رفت‌وآمد و تقاطع خطوط برق در صورت نیاز به تعمیرات می‌بایست علاوه بر نصب تابلو و علائم هشداردهنده محل‌هایی که احتمال سقوط کابل یا اشیاء دیگر وجود دارد کاملاً مشخص



و محصور گردد. همچنین لازم به ذکر است، اعلام وجود محیط خطرناک یا تأسیسات صنعتی خطرآفرین بنا به مقتضای نوع خطر می‌باید متناسب باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

حال چنانچه فردی برخلاف هشدار مذکور اقدامی انجام دهد که موجب خسارت مالی و جانی خود شود بنا به قاعده تحذیر مسئولیتی متوجه نهاد تأمین‌کننده برق نخواهد بود. به تعبیری دیگر، اگر هشدار گیرنده خود را در معرض خطر قرار دهد هشداردهنده از مسئولیت بری شناخته می‌شود. یعنی بدون توجه به هشدار دست به اقدامی بزند که نتیجه زیانباری به دنبال داشته باشد و ورود خسارت نتیجه اقدام هشدار گیرنده باشد؛ برای مثال، فرض کنید شخصی علی‌رغم هشدار وجود تأسیسات صنعت برق در مجاورت آن تأسیسات با اعمال خرابکارانه، عمداً اقدام به تخریب تأسیسات نموده و در زمان اقدام خود نیز آسیب ببیند. در کل، در قاعده تحذیر هشداردهنده نباید عمداً قصد ایراد صدمه و خسارت داشته باشد هر چند که ابتدائاً نیز هشدار لازم را داده باشد همچنین دریافت‌کننده هشدار نیز نباید خود را وارد معرکه نماید، اعم از اینکه این اقدام او ناشی از عمد یا تسامح باشد. در فرض قبل اگر نهاد تأمین‌کننده برق می‌بایست نسبت به خریداری و پاک‌سازی منازل واقع در حریم خطوط برق اقدام نماید و مالکین مربوطه نیز تمایل خود را به جابجایی از محل خطر به شرکت اعلام نمایند، به نظر در صورت وقوع حادثه مسئولین شرکت نمی‌توانند به هشدارهای قبل از حادثه به عنوان رافع مسئولیت خود استناد کنند. در مورد تأسیسات صنعتی برق همان‌گونه که گفته شد نصب علائم هشداردهنده از قبیل تابلو اسکلت انسان و نوشتن خطر مرگ در مراکزی که خطرزا هستند و اعلام حریم و فاصله مجاز می‌توانند از عوامل کاهش‌دهنده و در برخی موارد رافع مسئولیت مالک این‌گونه تأسیسات باشد. با توجه به مقررات خاص مربوط به نگهداری تأسیسات صنعتی از جمله تصویب‌نامه حریم خطوط هوایی انتقال و توزیع نیروی برق به شماره ۱۲۷۲۷ مورخ ۱۳۹۴/۲/۶ حسب مورد با اخطاریه کتبی به مالکین مستحدثات غیرمجاز و هشدار ناشی از احتمال برق‌گرفتگی و ورود



خسارات جانی و مالی به آنان و یا قانون مجازات اخلال‌کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲ در مورد اشخاصی که به تخریب تأسیسات صنعتی برق اقدام می‌کنند و از جنبه‌های مسئولیت کیفری آنان پرداخته است. به نظر می‌رسد با توجه به قانون مجازات اسلامی هشدارها و اخطاریه‌های قبل از حادثه می‌توانند در برخی موارد از علل رافع یا کاهش‌دهنده مسئولیت مدنی و رافع مسئولیت‌های کیفری باشد.

ب) مسئولیت ناشی از عدم مراقبت و نگهداری تأسیسات
نهادهای تأمین‌کننده برق، ملزم هستند تأسیسات خود را هر از چند گاهی مورد بررسی و چک قرار دهند تا از صحت و سلامت تأسیسات و تجهیزات انتقال و توزیع برق مطمئن گردند. گاهی اتفاق می‌افتد که به دلیل فرسودگی تأسیسات نهادهای تأمین‌کننده برق، این مراکز دچار حادثه (عمدتاً آتش‌سوزی ناشی از اتصال تأسیسات) شده و شبکه توزیع برق را دچار اختلال نموده و بروز قطعی و خاموشی چندروزه را در پی داشته است. مراقبت که عدم آن، سبب مسئولیت مالک بنا یا تأسیسات صنعتی معرفی شده، اعمالی است که برای محافظت و استفاده متعارف از بنا یا تأسیسات صنعتی لازم است به طوری که اگر این اعمال ترک شود، عیبی به وجود آمده و موجب خسارت خواهد شد. نوع مراقبت و نگهداری از بناها و تأسیسات صنعتی مختلف متفاوت است، مراقبت از یک کارخانه یا انواع تأسیسات صنعتی با مراقبت از ساختمان یک خانه تفاوت دارد و برای تشخیص تقصیر مالک در عدم مراقبت معیار نوعی متعارف ملاک خواهد بود نه معیار شخصی با توجه به این که عدم مراقبت لازم از بنا ویرانی و در نتیجه مسئولیت مالک خواهد بود معمولاً مراقبت و حفاظت با توجه به نوع ساختمان و مکان و شرایط و سبب اوضاع و احوال جوی در نظر گرفته می‌شود (نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۲۹).
مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که در ایران، در زمینه نگهداری تأسیسات و ساختمان‌های انتقال برق مقررات کامل و کم نقصی در ادارات برق موجود است که برای اثبات تقصیر ادارات برق و یا رد ادعای خواهان دریافت خسارت قابل دسترسی و



ارائه هستند. از جمله می‌توان به دستورالعمل سرویس و نگهداری ساختمان پست زمینی ۲۰ کیلوولت و دستورالعمل تعمیرات و نگهداری خطوط و پست‌های انتقال و فوق توزیع اشاره نمود.

همچنین بر اساس ماده ۳۳۳ قانون مدنی عدم مراقبت از بنا و تقصیر مالک، باید به نحوی باشد که بر اثر آن تأسیسات خودبه‌خود و بدون دخالت انسان ویران شود مثلاً هر چند مالک موظف است از دستگاه‌های تهویه ساختمان خود مراقبت کند، اما هرگاه بر اثر عدم مراقبت و انفجار دستگاه، دیوار ساختمان بر ویران شود این ویرانی از مصادیق ویرانی بنا که در ماده ۳۳۳ (ق.م) ایران مورد حکم قرار گرفته نیست. عکس هرگاه بر اثر عدم مراقبت مالک پایه‌های دستگاه پوسیدگی پیدا کرده و سقوط کند و سبب ورود خسارت گردد، مالک به سبب ویرانی بنا، مسئول خواهد بود.

اما در آمریکا، اکثر شرکت‌های برق مسئولیت «سهل‌انگاری فاحش» یا سوء رفتار عمدی را که منجر به تحمیل خسارات به مشتریان می‌شود، می‌پذیرند که از جمله مصادیق آن می‌توان به بی‌توجهی آگاهانه یا بی‌تفاوتی نسبت به ایمنی مشترکان اشاره داشت؛ در پی خاموشی‌های تگزاس در سال ۲۰۲۱، شاکیان دقیقاً همین را ادعا نمودند و یا در سال ۱۹۹۲، مرغداران آرکانزاس پس از این استدلال که نهاد تأمین‌کننده خدمات برق به طور جدی عیوب سیستم را که منجر به قطع برق پس از یک طوفان شدید شده بود، بررسی نکرد و این امر منجر به آن شد که بیش از ۹۰۰۰ مرغ در گرما تلف شدند، پیروز شدند و موفق به اثبات مسئولیت مدنی نهاد تأمین‌کننده خدمات برق گردیدند (Gilmer, 2021)؛ بنابراین، اگر شهروندان بتوانند به نحوی نشان دهید که شرکت تأمین‌کننده خدمات برق متوجه یک مشکل شده است و زمان معقولی برای رفع آن داشته است، اما موفق به انجام آن نشده است که از جمله آن می‌توان به عدم اجرای بازرسی‌های مناسب یا انجام اقدامات اصلاحی مناسب قبل از وقوع قطع، سیل، آتش‌سوزی یا حوادث دیگر اشاره داشت که زمینه‌ساز ایجاد مشکل یا تبدیل یک مسئله کوچک به یک مشکل بزرگ شده است، آنگاه شاکیان می‌توانند از سقف بالای مسئولیت



عبور کنید و با طرح دعوی در مراجع ذیصلاح، مطالبه خسارت و جبران آن از سوی شرکت‌های خدماتی تأمین‌کننده برق را بنمایند.

۴- نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در ایران و آمریکا در مراحل تولید و انتقال در زمره اعمال حاکمیتی و مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله توزیع میان مشترکان و مصرف‌کنندگان در زمره اعمال تصدی‌گری قلمداد می‌گردد. علی‌رغم این اشتراک، مطالعات تطبیقی صورت گرفته حاکی از آن است که مسئولیت مدنی نهاد تأمین‌کننده برق در مرحله تولید، در نظام حقوق ایران مبتنی بر «تقصیر» و در نظام حقوقی آمریکا مبتنی بر «خطای محض» می‌باشد؛ به تعبیری، مطالعه تطبیقی دو نظام حقوقی ایران و آمریکا مبین آن است که تفاوت‌هایی در خصوص مبنای مسئولیت نهادهای تأمین‌کننده برق در دو نظام حقوقی مذکور به چشم می‌خورد.

اما در خصوص مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله توزیع برق باید خاطر نشان ساخت که نهاد تأمین‌کننده، دارای مسئولیت قراردادی در قبال مشترکان بوده و در قبال سایر شهروندان و کسانی که خارج از شمول قرارداد از ناحیه شرکت‌های توزیع نیروی برق در زمینه فعالیت ایشان دچار خسارت می‌شوند، از نظر مسئولیت خارج از قرارداد یا مسئولیت قهری، واجد مسئولیت تلقی گردیده و ملزم به پاسخگویی و در صورت لزوم جبران خسارت است؛ البته در نقش مسئولیت قراردادی یا خارج از قرارداد، در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، عامل «تقصیر» نقش بسیار اثرگذار و پررنگی در احراز مسئولیت مدنی دارد. تقصیر دربرگیرنده تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخصی دیگری برخلاف متعارف است؛ بنابراین هرگاه شخصی در اعمال و رفتار خود احتیاط معمول و مرسوم در جامعه را رعایت نکند یا از مقررات تخلف کند و موجب زیان شود مسئول و مقصر شناخته می‌شود و ملزم است از عهده جبران زیان وارد شده برآید. لذا مستفاد از چنین نظریه‌ای، در احراز تقصیر،



زیان‌دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات آن را بیاورد اصولاً در مسئولیت‌های قراردادی اثبات عدم انجام تعهد برای این منظور کافی است و متعهد در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که ثابت کند قوای قاهره او را از اجرای قرارداد باز داشته است.

۵- فهرست منابع

۵-۱- منابع فارسی

الف) کتب

۱. امامی، سید حسن (۱۴۰۱)، حقوق مدنی، چاپ بیست و یکم، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة.
۲. حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی، تهران، مجد.
۳. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی در فقه امامیه، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
۵. صفایی، سید حسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت.
۶. قناد، هادی و علی مسگری (۱۳۸۴). مبانی برق: آشنایی با اصول کلی و اولیه برق، تهران، صفار.
۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱). قواعد فقه بخش مدنی، تهران، سمت.
۸. نظری، ایراندخت (۱۳۸۹). مسئولیت تمالک، تهران، انتشارات جاودانه جنگل.
۹. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵). قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران: میزان.

ب) مقالات

۱۰. انصاری، علی و حجت‌مبین (۱۳۹۰)، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی؛ مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۵ (۱): ۱-۲۳.



۱۱. جرفی، اسماء؛ طیبه صاحب و مرتضی شهبازی نیا (۱۴۰۳)، مسئولیت مدنی مالک کشتی های خودران ناشی از تصادم کشتی، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲۸ (۲): ۳۱-۱.
۱۲. کبیری شاه آباد، حمید و خدیجه شیروانی (۱۴۰۳)، مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان قطعه و مواد اولیه در کالاهای مونتاژشده در نظام حقوقی آمریکا و ایران. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۸ (۱): ۸۷-۱۱۵.
۱۳. پوراسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلام و کامن‌لا، فقه و حقوق اسلامی، ۴ (۷): ۲۹-۱.
۱۴. پورعبدالهان کویچ، محسن، الهام نوبهار و سکینه سجودی (۱۴۰۰)، کارایی و مقیاس: شواهدی از شرکت‌های توزیع برق ایران، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ۱۰ (۳۹): ۷۱-۹۷.
۱۵. حاجی عزیزی، بیژن و رضا توکلی نهاد (۱۳۹۹)، مسئولیت محض فروشندگان کالاها مستعمل با توجه به تحولات حقوق آمریکا، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۰ (۱): ۳۹-۵۵.
۱۶. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۸)، بررسی استثنائات زیست‌محیطی در رویه گات و سازمان جهانی تجارت، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۵ (۲۷): ۴۷-۲۳.
۱۷. شیوا، رضا و شهبازی، معصومه (۱۳۹۹). ارزیابی وضعیت رقابت‌پذیری و تأثیر قدرت بازاری بر قیمت برق، پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، ۵ (۱۸): ۱۰۸-۶۵.
۱۸. مولودی، محمد؛ بیژن حاجی عزیزی و نگین غلامی (۱۳۹۷)، مبانی اقتصادی توزیع خسارت در مسئولیت مدنی، مطالعات حقوقی، ۱۰ (۳): ۲۲۷-۲۵۸.
۱۹. میرزایی، مرتضی (۱۴۰۱)، مسئولیت مدنی شرکت توزیع نیروی برق شمال استان کرمان در خصوص عدم اضرار به غیر در اثر جریان برق ناشی از قوای قهریه در خسارت به گلخانه داران، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۸ (۱): ۸۳-



۷۱.

۲۰. نظری منتظر، علی و حسین سیمایی صراف (۱۳۹۶)، خصوصی‌سازی شرکت‌های توزیع نیروی برق، *بایسته‌های تقنینی و حقوقی فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه ریزی انرژی*، ۳ (۳): ۹۷-۶۹.
۲۱. نیکبخت، حمیدرضا و مهدی هفتانی (۱۳۹۶)، سازمان تجارت جهانی و تجارت برق (آمادگی ایران برای الحاق)، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۴ (۵۷): ۱۱۸-۹۱.
۲۲. واحد، فائزه؛ مجتبی زاهدیان و احمد تاجری (۱۴۰۱). مبنای مسئولیت‌های قراردادی در حقوق آمریکا و مطالعه تطبیقی با فقه و حقوق ایران، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۹ (۴): ۳۰۲-۲۷۵.

۲-۵- منابع غیرفارسی

A. Book

1. Horlick, Gary & Others (2002), *Natta Provisions and the Electricity Sector*, International Institute for Sustainable Development.
2. ICF Consulting (2003), *The Economic Cost of the Blackout*, An issue paper on the Northeastern Blackout, August 14, 2003. Fairfax
3. Mathur, Sajal (2014), *Trade, the WTO and Energy Security*, Springer.
4. Qanad, Hadi and Mesgari, Ali (2004), *Basics of Electricity: Getting to know the general and basic principles of electricity*, Tehran, Safar.
5. Reid, Emily (2015), *Balancing Human Rights, Environmental Protection and International Trade*, Hart Publishing.
6. Steetskamp, I., Wijk, D. von (1994), *Stromausfall. Die Verletzlichkeit der Gesellschaft. Die Folgen von Störungen der Elektrizitätsversorgung*, Rathenau-Instituut, The Hague.
7. Stoft, Steven (2002), *Power System Economics Designing Markets for Electricity*, IEEE Press & Wiley -Interscience.

B. Aeticle

1. Ankit, Aman; Liu, Zhanlin; Miles, Scott & Choe, Youngjun (2022), "U.S. Resilience to large-scale power outages in 2002-2019", *Journal of Safety Science and Resilience*, Volume 3, Issue 2:128-135; at: <https://www->



- sciencedirect.com.translate.google/science/article/pii/S2666449622000147
2. Bridgeman.C (2007), Reconciling Strict Liability with Corrective Justice in Contract Law, *Fordham Law Review*, Vol75, Issue 6, Art 13.
 3. Cohen.M.G; (2009). The Fault That Lies within Our Contract Law, *Michigan Law Review*, 107(8): 54-62.
 4. Eisenberg.A.M. (2009). The Role of Fault in Contract Law: Unconscionability, Unexpected Circumstances, Interpretation, Mistake and Nonperformance, *Michigan Law Review*, 107(8):30-39.
 5. Gilmer, Ellen M. (2021), "Can You Sue When the Power Goes Out? Liability Shields Explained", *Bloomberg Law*; at: https://news-bloomberglaw.com.translate.google/environment-and-energy/my-electricitys-out-can-i-take-someone-to-court-for-damages?_x_tr_sl=en&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=fa&_x_tr_pto=sc.
 6. *Green Power Markets* (2024), at: <http://www.epa.gov/greenpower/gpmarket>, last review: 2025/1/15.
 7. Hillman.A. R (2014). The Future of Fault in Contract Law, *Duquesne Law Review*, 52(2): 13-19.
 8. Macedo, Leonardo (2010), *Electricity energy and the wto customs valuation agreement*, World Trade Organization, at: https://www.wto.org/english/res_e/publications_e/wtr10_forum_e/wtr10_2_july10_e.htm
 9. Mydland, O. Kumbhakar, S.C. Lien, G. Amundsveen, R. & Kvile, H.M (2020), Economies of scope and scale in the Norwegian electricity industry. *Economic Modelling*, 88, pp. 39-46.

Persian

10. Book

8. Emami, Seyyed Hassan (2021), *Civil Rights*, 21st edition, Tehran, Islamia bookstore.
9. Hayati, Ali Abbas (2015), *Civil responsibility*, Tehran, Mizan.
10. Hekmatnia, Mahmoud (2011), *Civil responsibility in Imamiyyah jurisprudence*, Tehran, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
11. Hosseini-nejad, Hosseinqoli (2011), *civil responsibility*, Majd, Tehran.
12. Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa (2013), *Civil Jurisprudence Rules*, Tehran, position.
13. Nazari, Irandokht (2010), *Tamalik Mansali*, Tehran, Javadane Jangal Publications.

11. Aeticle



14. Ansari, Ali and Mobin, Hojjat (2010), the theory of assignability in civil liability law; A comparative study in Imami jurisprudence and French law, *comparative law researches*, volume 15, number 1.
15. Haji Azizi, Bijan and Tavakoli Nihad, Reza (2019), the absolute responsibility of sellers of used goods according to developments in American law, *Private Law Studies Quarterly*, Volume 50, Number 1: 55-39.
16. Jafari, Ibrahim (2014), *review of the rule of action in civil rights, the first national conference of Islamic humanities*, Qom, <https://civilica.com/doc/429300>.
17. Jorfi A, Saheb T, Shahbazinia M. Civil liability of the owner of autonomous ships due to ship collision. *CLR* 2024; 28 (2) :1-31; URL: <http://clr.modares.ac.ir/article-20-72019-fa.html>
18. Kabiri H, Shirvani K. (2024), A comparative study of the civil liability of manufacturers of prefabricated parts and raw materials in assembled goods in the American and Iranian legal systems, *CLR*; 28 (1) :87-115; URL: <http://clr.modares.ac.ir/article-20-71849-fa.html>
19. Mirzaei, Morteza (2022), the civil responsibility of the electric power distribution company in the north of Kerman province regarding non-harm to others due to the power flow caused by force majeure in the damage to the greenhouse owners, *Political Science, Law and Jurisprudence Quarterly*, 8th period, Number 1: 71-83.
20. Molodi, Mohammad; Haji Azizi, Bijan and Gholami, Negin (2017), Economic Basis of Damage Distribution in Civil Liability, *Legal Studies*, 10th Volume, Number 3: 227-258.
21. Nazari Montazer, Ali and Simai Saraf, Hossein (2016), Privatization of electricity distribution companies, legislative and legal requirements, *Energy Planning and Policy Research Quarterly*, 3(8).
22. Nikbakht, Hamidreza and Haftani, Mehdi (2016), World Trade Organization and Electricity Trade (Iran's readiness to join), *International Legal Journal*, 34th year, Number 57: 118-91.
23. Pour'Abadolhan Kavich, Mohsen; Nobahar, Elham and Sejoudi, Sakineh (2020), Efficiency and Scale: Evidence from Iran's Electricity Distribution Companies, *Iran Energy Economics Journal*, Volume 10, Number 39: 71-97.
24. Pourasmali, Alireza (2012). A comparative study of the effect of culpability on civil liability in Islamic law and common law, *Islamic jurisprudence and law*, 4 (7): 1-29.



25. Ramezani Qawamabadi, Mohammad Hossein (2008), Review of Environmental Exceptions in GATT and World Trade Organization, *Journal of Law and Policy Research*, No. 27.
26. Shiva, Reza and Shahbazi, Masoumeh (2019). Evaluating the state of competitiveness and the impact of market power on electricity prices, *Energy Planning and Policy Studies*, 5 (18): 65-108.
27. Shiva, Reza and Shahbazi, Masoumeh (2019). Evaluating the state of competitiveness and the impact of market power on electricity prices: a case study of Iran's wholesale electricity market, *Energy Planning and Policy Research*, 5 (18): 65-108.
28. Vahad, Faezeh; Zahidian, Mojtabi and Tajari, Ahmad (2021). The basis of contractual responsibilities in American law and a comparative study with jurisprudence and Iranian law, *Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws*, 9 (4): 275-302.



Foundations and Examples of Civil Liability of Electricity Supply Institutions in Iranian and American Law

Faezeh Sadat Saadatmandi¹, Hasan badini^{2*}, Abbas Karimi³

1. Ph.D. Student in Private Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran
2. Associate Professor in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
3. Professor in Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Receive: 2023/11/19

Accept: 2024/11/08

Abstract

The present research, using the qualitative method and analytical-descriptive method, aims to performance a comparative study and explain the foundations and examples of the civil responsibility of electricity supply institutions. The findings of this research show that the civil liability of the mentioned institutions in Iran and America in the stages of production and transmission is considered as "Sovereign Acts" and in the stage of distribution among subscribers and consumers is considered as "Employee Acts"; In addition, the civil liability of the electricity supplier entities is "Contractual and Non-Contractual" in nature, and both Iranian and American legal systems consider the civil liability of the electricity supplier entity in the production phase, which is a liability based on the contract; with the difference that the basis of responsibility is different in these two legal systems; As in Iranian law, this responsibility is based on "Fault" and claimable damages resulting from the violation of contractual obligations are subject to the specification of the parties, custom or law; But in American law, the

* Corresponding Author's Email: hbadini@ut.ac.ir



basis for establishing the contractual liability of the aforementioned entities is "Pure Liability" or liability without fault, and the liability of these entities is established solely based on the breach of obligation; Therefore, in this legal system, as soon as a breach of contractual obligations is established, regardless of the reason for the breach or fault, the obligee is responsible for compensation. In the stage of electricity distribution, in Iran's legal system, it is possible to point out the responsibility resulting from the lack of care and maintenance of the facilities and equipment for the transmission and distribution of electricity to the subscribers, as well as the responsibility resulting from negligence and failure to take preventive measures, which is the factor of "Fault" Civil liability plays a fundamental and key role for the aforementioned supplier institutions; But in the American legal system, one can find very limited cases in which civil liability can be proposed for the mentioned institutions at this stage, and basically it is very difficult to establish civil liability at this stage, and this is due to the mechanisms that exist in this country in In order to comply with electricity transmission and distribution standards, division of responsibility and the involvement of consumers and subscribers in possible damages are applied.

Keywords: Civil liability, Electricity, Electricity Supply Institutions, Iranian Law, American Law